

## جایگاه و نقش قانون اساسی در مردم سالاری دینی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

منوچهر توسلی نایینی

استادیار گروه حقوق دانشگاه شهرکرد

### چکیده

اصولا در ایجاد یک نظام مردم سالار دینی قانون اساسی بعنوان میثاق ملی کشور نقش تعیین کننده ای ایفاء می کند. این قانون مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشور است. در جامعه ای که اسلامی بودن قوانین محور باشد و مشارکت سیاسی نه تنها بعنوان یک حق بلکه یک تکلیف و مسئولیت نیز شناخته شود، قانون اساسی باید بگونه ای متفاوت از یک نظام مردم سالار لیبرال در نظر گرفته شود، لذا در این قانون ساختار نظام حکومتی باید بصورتی تنظیم شود که زمینه این مشارکت سیاسی را فراهم آورد.

بنابر این، اصول قانون اساسی می تواند مردم سالاری دینی را تعریف و قابلیت اجرای آنرا مشخص کند. این اصول می تواند بگونه ای تدوین شود که چارچوب اساسی نظام یعنی اسلامی بودن آنرا تقویت کند. قانون اساسی می تواند مشارکت مردم و پاسخگویی به نیازمندیهای مشروع آنان را در شیوه های متفاوت عملی سازد. این قانون می تواند با مبنا قرار دادن حاکمیت الهی

راههای اعمال آن از جمله انتخابات، شوراها، رفراندم و غیره یعنی راههای تحقق نظام مردم سالار دینی را فراهم آورد، بگونه ای که بین حاکمیت دینی و مردم سالاری دینی تلفیق و هماهنگی بوجود آید.

با توجه به مراتب فوق، محتوای قانون اساسی و اصول آن می تواند مبین یک نظام مردم سالار دینی یا غیر دینی باشد. اگر اصول قانون اساسی مبتنی بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت و اداره جامعه خود باشد و در عین حال بر محوریت اسلام در تمامی ابعاد زندگی تاکید نماید. این قانون اساسی زمینه های لازم را برای تحقق یک نظام مردم سالار دینی فراهم ساخته است.

**واژه های کلیدی:** مردم سالاری، دین، قانون اساسی، حاکمیت، جمهوری اسلامی.

### مقدمه

مردم سالاری در حال حاضر یکی از مقبول ترین شیوه های حکومت در جهان است که حاصل سالیان دراز تلاش و مبارزه انسانهای عدالتخواه و حقیقت جو بوده است. برای شناخت این روش اداره کشور، یکی از راهها، مراجعه به قانون اساسی<sup>۱</sup> است. قانون اساسی منبع اصلی حقوق اساسی در تمامی سیستم های مردم سالار است. این قانون بعنوان میثاق ملی، نقش تعیین کننده ای در ایجاد یک نظام مردم سالار ایفاء می کند و محتوای آن می تواند وجود یا عدم وجود مردم سالاری را مشخص کند.

یکی از سوالاتی که امروزه مطرح می شود این است که آیا میتوان در کشورهای اسلامی صورتی از حکومت مردم سالار بوجود آورد که با سنتهای دینی، فرهنگی و تاریخی این جوامع سازگار و متفاوت از مردم سالاری لیبرال رایج در کشورهای غربی باشد؟ در پاسخ به این سوال باید ویژگیهای یک نظام مردم سالار را مشخص و بررسی نمود که آیا امکان این تلفیق وجود دارد؟ در این راستا بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک نمونه در کشورهای اسلامی می تواند به ما نشان دهد که آیا در این قانون اساسی ملاکهای یک نظام مردم سالار دینی وجود

دارد یا نه. برای این کار باید در ابتدا به نقش و جایگاه دو معیار مهم یعنی مردم سالار بودن و دینی بودن نظام در قانون اساسی توجه کرد و جایگاه این قانون را در تدوین این معیارها بررسی نماییم.

### قانون اساسی و ویژگیهای یک نظام مردم سالار دینی

در یک نظام مردم سالار دینی، اصول قانون اساسی باید بتواند مردم سالاری را تعریف و قابلیت اجرای آنرا مشخص نماید. این قانون باید علاوه بر عملی ساختن مشارکت مردم و پاسخگویی به نیازمندیهای مشروع آنان، به تقویت چهارچوب اساسی نظام یعنی اسلامی بودن آن پردازد. قانون اساسی بنابر این باید بتواند با مبنا قرار دادن حاکمیت ملی و راههای اعمال آن از جمله انتخابات، شوراهای، همه پرسی و غیره، راههای تحقق نظام مردم سالار دینی را فراهم و بگونه ای بین حاکمیت دینی و مردم سالاری دینی تلفیق و هماهنگی بوجود آورد.

برای شناخت یک نظام مردم سالار دینی ضوابط و معیارهایی وجود دارد که باید آنها را در قانون اساسی جستجو نمود. قانون اخیر ضمن تنظیم روابط فیما بین مردم با یکدیگر و روابط آنان با هیأت حاکمه در چهار چوب اصول و ارزشهای اسلامی باید بیانگر عدم تعارض مردم سالاری با دین و ارزشهای اصولی آن باشد. به عبارت ساده تر در این قانون باید مردم سالاری دینی از مردم سالاری غیر دینی براحتی قابل تمایز باشد. در قانون اساسی یک نظام مردم سالار دینی، روند تدوین اصول باید بصورتی باشد که معیارهای یک نظام مردم سالار و نظام دینی هر دو در آن وجود داشته باشد.

### الف- مردم سالار بودن نظام

با قبول امکان وجودی نظام مردم سالار دینی و با توجه به اهمیت قانون اساسی در نظام های مردم سالار متوجه می شویم که قانون اساسی این نظام که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن است و ارتباط بین مردم و هیأت حاکم را تدوین می کند باید بگونه ای متفاوت از قانون اساسی یک سیستم مردم سالار لیبرال در نظر گرفته شود. این قانون باید بر اساس همخوانی دین و دموکراسی تنظیم و ساختار نظام حکومتی را بصورتی پیش بینی نماید که زمینه مشارکت سیاسی مردم را فراهم آورد. در هر نظام متکی به آرای مردم وجود چند عامل در قانون اساسی

بیانگر مردم سالار بودن آن نظام است.<sup>۱</sup> بررسی این عوامل می تواند به ما نشان دهد که آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیتهای یک نظام مردم سالار را دارا می باشد یا خیر.

### ۱- مشارکت همه جانبه و گسترده مردم در انتخابات

در دموکراسی غیر مستقیم یا نمایندگی<sup>۱</sup>، مردم نمایندگانی را انتخاب می کنند تا به وکالت و نمایندگی از جانب ایشان جامعه را اداره نمایند. بنابراین مشارکت همه جانبه و گسترده مردم در انتخابات یکی از اجزای لاینفک یک نظام مردم سالار است. در مردم سالاری دینی، همانند سایر گونه های دموکراسی، حاکمیت مردم و عنصر انتخاب یک اصل بنیادین و کلیدی تلقی می شود.<sup>۲</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر این اصل که در اسلام مشارکت سیاسی مردم در اداره امور کشور نه تنها یک حق که یک تکلیف و مسئولیت تلقی می شود<sup>۳</sup>، راههای مشارکت مردم در حاکمیت را فراهم کرده است. اتکاء به آرای عمومی در انتخاباتی نظیر شوراها، شهر و روستا (اصل ۱۰۱)، مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۲)، ریاست جمهوری (اصل ۱۱۴) و خبرگان رهبری (اصول ۱۰۸-۱۰۷) بیانگر اهمیتی است که قانون اساسی برای این مشارکت در نظر گرفته

۱- به نظر دکتر ابوالفضل قاضی، نظام مردم سالار دارای ویژگیهای است: ۱- حق مشارکت همگانی ۲- وجود آزادیها ۳- حکومت اکثریت و احترام به اقلیت ۴- اصل برابری ۵- توزیع خردمندانه قدرت. رجوع کنید به قاضی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، صص ۱۲۵-۱۳۲.

### 2- representative democracy

۳- مشکات، محمد، منابع، مبانی و مولفه های مردم سالاری دینی، فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۸.

۴- این موضوع را با مراجعه به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان بوضوح مشاهده نمود. برای مثال آقای سید جلال الدین فارسی در مباحث اولیه تدوین قانون اساسی می گوید "آنچه متعلق به مردم است حق نیست بلکه وظیفه است. این وظیفه یا مسئولیت عبارتست از شرکت در برنامه ریزی خدمات عمومی و سیاست داخلی و خارجی بویژه از طریق انتخابات نمایندگانی که وکالت این وظیفه را در مجلس برنامه ریزی بانجام می رسانند..." رک به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، جلسه اول تا سی و یکم، ناشر اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، آذر ۱۳۶۴، ص ۷۷

است. انتخاب وزرا توسط رئیس جمهور منتخب مردم و تایید و رای اعتماد توسط مجلس منتخب مردم (اصل ۸۷) در همین راستا ارزیابی می شود.

## ۲- مسئولیت سیاسی زمامداران

یکی از ویژگیهای نظامهای مردم سالار پیش بینی راهکارهایی برای جلوگیری از اعمال قدرت مطلق زمامداران است. در این نظامها در صورت عدم تفاهم و هماهنگی بین زمامداران و نهادهای مردمی و مخالفت این افراد با خواسته های اکثریت مردم، امکان عزل آنان وجود دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا در بعضی اصول خود راهکارهایی را برای پیگیری مسئولیت سیاسی زمامداران تعیین نموده است و در بسیاری از موارد این راهکارها کارآیی خود را نشان داده است. در این قانون به ترتیب از بالاترین رده های نظام، مقام رهبری در مقابل مجلس خبرگان منتخب مردم (اصل ۱۱۱)، رئیس جمهور در مقابل ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۲۲)، وزیران در مقابل مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۳۷) مسئول می باشند. رئیس مجلس و نمایندگان مجلس نیز مستقیماً در برابر ملت و افکار عمومی مسئول اقدامات خویش می باشند.

## ۳- تساوی افراد در مقابل قانون

در یک نظام مردم سالار هیچکس امتیاز شخصی نسبت به دیگران ندارد و همه در برابر قانون مساوی هستند. در این نظام زمامداران همانند همه مردم تابع قانون و مسئول اعمال خویش می باشند. در مردم سالاری دینی، مساوات و برابری از بنیادی ترین آموزه های دینی است که عمل به آن توصیه شده است.<sup>۱</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی در تبیین این اصل صراحت خاصی دارد. نظر باینکه در اصل ۱۰۷ بر مساوی بودن رهبر بعنوان شاخص ترین فرد نظام در مقابل قانون با سایر افراد تأکید شده است می توان نتیجه گرفت که سایر کارگزاران نظام از جمله روسای قوای سه گانه، وزرا و غیره هیچگونه امتیاز شخصی نسبت به دیگران نداشته و در برابر قانون با سایر افراد مساوی می باشند. باید توجه داشته باشیم که اگر قانون اساسی اختیارات ویژه ای را برای رهبری

در نظر گرفته این به معنی برتری وی نیست<sup>۱</sup> بلکه به معنی وجود مسئولیت بیشتر برای رهبر است که با پذیرش جامعه و مشروعیت الهی در جهت حفظ حاکمیت دین گام بر می دارد.

#### ۴- نامحدود نبودن دوره زمامداری

محدودیت دوره زمامداری یکی از خصایص نظامهای مردم سالار است. تجربه تاریخ نشان داده است که طولانی بودن دوره ریاست از جمله عواملی بوده که موجبات فساد حکام و تقویت پایه های استبداد را فراهم کرده است، لذا برای جلوگیری از تحکیم قدرت مطلقه زمامداران، اصل محدودیت دوره زمامداری بعنوان یکی از شاخصه های نظامهای مردم سالار در آمده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این محدودیت در اکثر موارد مشخص گردیده است. برای مثال در مورد رییس جمهور (اصل ۱۱۴)، مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۳) و شوراهای اسلامی شهر و روستا (ماده ۳ قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵) دوره فعالیت چهار سال و برای خبرگان رهبری این دوره هشت سال در نظر گرفته شده است. البته رییس جمهور نیز با یکبار حق انتخاب مجدد می تواند هشت سال متوالی انجام وظیفه نماید. لیکن صرفنظر از موارد فوق تنها ایرادی که ممکن است به قانون اساسی وارد شود، عدم پیش بینی محدودیت دوره رهبری است. در جواب این ایراد می توان گفت که اول، رهبر در صورتی که در زمان انجام وظایف خود بر اساس اصول قانون اساسی شرایط رهبری را از دست بدهد توسط مجلس خبرگان قابل عزل است (اصل ۱۱۱). دوم، توجه به شرایط و صفات ویژه رهبری از جمله عدالت و تقوی و غیره و نقش رهبری در تنظیم روابط قوای سه گانه و تحکیم ثبات نظام می تواند تا حدی توجیه کننده این موضوع باشد.

۱- در جریان مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیت الله خامنه ای اشاره نموده اند که "در راس قوه مجریه امام است و تعبیر دیکتاتور غلط است که مطابق مصالح مشخص خودش دیکته می کند و کسی که به نیابت از خدا این کار را می کند دیکتاتور نیست". رک به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان ص ۵۴

### ب- دینی بودن نظام

نظامی که در آن دین و شریعت مبنای اصلی اداره امور جامعه باشد و قوانین بشری در تطابق با قوانین الهی تهیه و تنظیم شود، آن نظام دینی است. بر اساس شریعت اسلام، نظام دینی، نظامی است که چهارچوب کلی و سیاستگذاری اصلی آن را دین ترسیم کند و حاکمیت اصلی از آن خداوند باشد. در غالب نظامهای مردم سالار، با تفکیک دین از سیاست و عدم توجه به دین در اداره امور اجتماع، فقط به ملاک های بشری به عنوان تنها راه اداره جامعه توجه شده است. حال آنکه، در شریعت دستورات ثابت و متغیری وجود دارد که آراء و اندیشه های مردم در مقابل آنها فاقد ارزش و اطاعت از آنها بر همه پیروان واجب و لازم است<sup>۱</sup>. به همین دلیل در نگاه اول، ممکن است وصف دینی بودن نظام با وصف دیگر آن یعنی مردم سالار بودن ناسازگار بنظر برسد. به همین دلیل ممکن است که گفته شود چون دین به لحاظ آسمانی بودن و اتصال به منبع وحی، مصون از خطاست و از آن جا که مبنای شریعت پیروی از حق است نه صرف اکثریت آرای مردم، لذا رأی اکثریت به تنهایی قابل قبول نیست بلکه در چارچوب دین پذیرفتنی است<sup>۲</sup>. اما می توان گفت بدلیل اینکه در هر دو مورد افراد انسانی نقش تعیین کننده ای ایفاء می کنند این تعارض تا حدی حل می شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این تعارض به این صورت حل شده که اکثریت مردم با اعتقاد دیرینه خود به دین اسلام، محتوای حاکمیت را در قالب نظام اسلامی تعیین نموده اند، لذا اراده آزاد و اسلامی مردم بصورت مشارکت همگانی برای تعیین نظام سیاسی کشور پدیدار شده است. در قانون اساسی وجود معیارهای زیر می تواند بیانگر دینی بودن نظام تلقی شود.

۱- به همین دلیل نایب رییس مجلس خبرگان قانون اساسی اشاره دارد که در جامعه های مکتبی، انسانها اول مکتب را انتخاب می کنند و انتخابات بعدی نمی تواند نقض کننده تعهدی باشد که قبلا پذیرفته شده باشد رک به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان ص ۴۰۶

۲- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۷۸، ص ۹۰

## ۱- احاطه کامل دین رسمی بر اداره امور کشور

یکی از ویژگیهای نظامهای دینی اولویت قوانین شریعت بر سایر قوانین و مقررات موجود در جامعه است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل دوازدهم و اصل چهارم صراحتاً به دینی بودن نظام و الزام به تطبیق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی اشاره شده است. در اینجا ممکن است این سوال مطرح شود که اولویت قوانین اسلامی بر سایر قوانین آیا مغایر با آزادی مذهبی پذیرفته شده در نظامهای مردم سالار نیست؟ در پاسخ می توان گفت که در این مورد باید بین حقوق و آزادیهای عمومی افراد ملت و حقوق سیاسی اقلیتهای مذهبی قایل به تفکیک شد. اصول نوزده تا چهل و سوم قانون اساسی به صراحت همه ایرانیان را بدون تبعیض مشمول حقوق و آزادیهای عمومی می داند. در حالیکه در مورد حقوق سیاسی، اقلیتهای مذهبی از رسیدن به مناصب چون ریاست جمهوری (اصل ۱۱۵)، وزارت (اصل ۱۳۳)، قضاوت (اصل ۱۶۳) و نظایر آن محروم می باشند<sup>۱</sup> که می توان با توجه باینکه اکثریت قاطع مردم مسلمان می باشند این رویه را مورد قبول قرار داد.

## ۲- تاکید بر مبانی اعتقادی

در یک نظام دینی، مبانی اعتقادی پایه های نظام را تشکیل می دهد. این مبانی در تمامی امور جامعه بویژه در پایه ریزی نظام اجتماعی نقش راهنما را ایفاء می کنند. اگر یک نظام مردم سالار بر پایه اعتقادات دیرینه مردم شکل گرفته باشد، ادامه حیات آن نیز با رعایت همان مبانی اعتقادی ممکن خواهد بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی بخوبی بیانگر این چهار چوب اعتقادی است. همانگونه که در اصل اول این قانون آمده، تاسیس نظام جمهوری اسلامی بر پایه اعتقادات دیرینه مردم به حکومت حق و عدل و قرآن و بر پایه ایمان به توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت و رهبری قرار گرفته است و ادامه حیات آن نیز بر پایه همین مبانی استوار است.



### ۳- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند

در یک نظام دینی علاوه بر تأمین حوایج مادی انسانها به کمال معنوی و حرکت آنان در مسیر صحیح برای رسیدن به خالق نیز توجه می شود. عنایت به اصل کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند یکی از شرایط اولیه ادامه حیات یک نظام دینی است. بر اساس این اصل، انسان دارای گرایشهای گوناگونی است که وی را بسوی خیر یا شرمی کشاند. انسان می تواند در دو بعد مثبت و منفی استعدادهای خود را پرورش داده و بر اساس آزادی فردی راه درستی را که خالق از طریق وحی به وی نشان داده را قبول یا رد نماید. لیکن هر انسانی در برابر این آزادی، مسئولیت اعمال خویش را بهعهده دارد. وجود این آزادی توأم با مسئولیت، موجبات تلاش و رشد انسان را فراهم و تحولی مثبت در وی بوجود می آورد. این تحول و خود سازی فردی در انسانها، تجدید حیات اجتماع را بدنبال خواهد داشت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی به این موضوع واقف بوده و در بند شش اصل دوم خود با پذیرش اصل کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او، نوعی نگاه دینی به حکومت را بیان می کند و ایمان به اصل فوق را برای تداوم حیات جامعه و بعنوان یکی از مبانی جمهوری اسلامی لازم می داند. در اصل سوم قانون اساسی یکی از وظایف حکومت، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ذکر گردیده که به تمایز وظائف حکومت دینی از غیر دینی اشاره دارد.

### ۴- قبول آزادی مذهبی و همزیستی مسالمت آمیز ادیان الهی

در یک نظام دینی آزادی مذهبی و همزیستی مسالمت آمیز بین پیروان ادیان مختلف امری مقبول است. لیکن بدلیل آنکه در یک نظام مردم سالار دینی تصمیم گیری باتفاق آرای تمامی مذاهب امکان پذیر نیست، لذا در موارد تعدد دین در جامعه، پیروان آن دینی که اکثریت مردم را تشکیل می دهند در تصمیم گیری نقش ممتازی ایفاء می کنند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی تأکید گردیده که اسلامی بودن نظام خواست اکثریت رای دهندگان بوده است. به عبارت دیگر، اکثریت جامعه ایران محتوای نظام را بر اساس شریعت اسلام مورد قبول قرار داده اند و در کنار آن آزادی مذهبی برای اقلیتهای مذهبی در نظر گرفته شده است. اصل اول قانون اساسی بر این امر

اشاره دارد که در همه پرس‌ی یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ ملت ایران با اکثریت رای ۹۸/۲ درصد افراد دارای حق رای و با اعتقاد دیرینه خود به دین اسلام به محتوای نظام یعنی حاکمیت اسلامی در چهار جوب نظام مردم سالار جمهوری رای داده است.

### نتیجه گیری

قانون اساسی بعنوان میثاق ملی نقش تعیین کننده ای در ایجاد یک نظام مردم سالار ایفاء می کند. در جامعه ای که اسلامی بودن قوانین محور بوده و مشارکت سیاسی مردم در آن نه تنها یک حق که یک تکلیف و مسئولیت باشد، قانون اساسی که مبنی نهاد های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن جامعه است، جایگاه متفاوتی از قانون اساسی سایر نظام های مردم سالار دارد. این قانون در یک نظام مردم سالار دینی باید بتواند مردم سالاری و دینی بودن نظام را تعریف و قابلیت اجرای آنرا مشخص نماید بگونه ای که مردم سالاری دینی از غیر دینی پراحتی متمایز باشد.

بنابر این قانون اساسی باید معیارهای یک نظام مردم سالار از جمله پیش بینی مشارکت همه جانبه مردم در انتخابات و همه پرس‌ی، تبیین مسئولیت سیاسی زمامداران، رعایت تساوی همه افراد در مقابل قانون و نامحدود نبودن دوره زمامداری را دارا باشد و بتواند بین حاکمیت ملی و حاکمیت دینی هماهنگی بوجود آورد. از طرف دیگر، این قانون باید بتواند معیارهای یک نظام دینی یعنی ترسیم چهار جوب کلی و سیاستگذاری اصلی حکومت توسط دین را در بر داشته و حاکمیت خداوند را منشاء تمامی حاکمیتها بداند، لذا قانون اساسی باید احاطه کامل دین رسمی بر اداره تمامی امور کشور را در نظر گرفته و آزادی مذهبی و همزیستی مسالمت آمیز بین ادیان الهی را مورد قبول قرار دهد. بعلاوه این قانون باید اصل کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند را تبیین و بر اهمیت مبانی اعتقادی بعنوان پایه های نظام تاکید داشته باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با درج معیارهای فوق نشان داده که مردم سالاری مورد قبول آن مردم سالاری دینی است و ایجاد هماهنگی بین حاکمیت دینی و مردم سالاری دینی در آن مورد توجه بوده است. در خاتمه بنظر می رسد که محتوای قانون اساسی و اصول آن

می تواند مبین یک نظام مردم سالار دینی یا غیر دینی باشد. اگر اصول قانون اساسی مبتنی بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت و اداره جامعه خود و در عین حال با تاکید بر محوریت دین در تمامی ابعاد زندگی باشد، این قانون زمینه های لازم را برای تحقق یک نظام مردم سالار دینی فراهم ساخته است. امری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی می توان آنرا مشاهده نمود.



## منابع

- ۱- اختر شهر، علی، **دموکراسی و دین، تعامل یا تقابل**، کتاب نقد، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۱.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، **ولایت فقیه، انتشارات اسراء**، قم، ۱۳۷۸.
- ۳- ربانی گلپایگانی، علی، **دین و دولت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**، تهران، ۱۳۷۷.
- ۴- عمید زنجانی، عباسعلی، **فقه سیاسی**، جلد دوم، نظام سیاسی و رهبری در اسلام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- ۵- عنایت، حمید، **بنیاد فلسفه سیاسی در غرب**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- ۶- قاضی، ابوالفضل، **بایسته های حقوق اساسی**، نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- ۷- قاضی، ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۸- کواکیان، مصطفی، **دموکراسی در نظام ولایت فقیه**، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۹- مدنی سید جلال الدین، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات پایدار، ۱۳۷۷.
- ۱۰- مشکات، محمد، **منابع، مبانی و مولفه های مردم سالاری دینی**، فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۰- هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۸.
- ۱۱- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**.
- ۱۲- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، جلسه اول تاسی و یکم، ناشر اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، آذر ۱۳۶۴.